

خشم خدا بر معلمان کذب

¹ لکن در میان قوم، انبیای کذب نیز بودند، چنانکه در میان شما هم معلمان کذب خواهند بود که بدعتهای مهلک را خفیه خواهند آورد، و آن آقایی را که ایشان را خرید انکار خواهند نمود، و هلاکت سریع را بر خود خواهند کشید.² و بسیاری فجور ایشان را متابعت خواهند نمود؛ که به سبب ایشان طریق حق، مورد ملامت خواهد شد.³ و از راه طمع به سخنان جعلی شما را خرید و فروش خواهند کرد؛ که عقوبت ایشان از مدت مدید تأخیر نمی‌کند، و هلاکت ایشان خوابیده نیست.⁴ زیرا هرگاه خدا بر فرشتگانی که گناه کردند، شفقت ننمود، بلکه ایشان را به جهنم انداخته، به زنجیرهای ظلمت سپرد، تا برای داوری نگاه داشته شوند؛⁵ و بر عالم قدیم شفقت نفرمود، بلکه نوح، و اعطی عدالت را با هفت نفر دیگر محفوظ داشته، طوفان را بر عالم بی‌دینان آورد؛⁶ و شهرهای سدوم و عموره را خاکستر نموده، حکم به واژگون شدن آنها فرمود و آنها را برای آنانی که بعد از این بی‌دینی خواهند کرد، عبرتی ساخت؛⁷ و لوط عادل را که از رفتار فاجرانه بی‌دینان رنجیده بود رها کنید.⁸ زیرا که آن مرد عادل در میانشان ساکن بوده، از آنچه می‌دید و می‌شنید، دل صالح خود را به کارهای قبیح ایشان هرروزه رنجیده می‌داشت.⁹ پس خداوند می‌داند که عادلان را از تجربه رهایی دهد و ظالمان را تا به روز جزا در عذاب نگاه دارد؛¹⁰ خصوصاً آنانی که در شهوات نجاست در پی جسم می‌روند و خداوندی را حقیر می‌دانند. اینها جسور و متکبرند و از تهمت زدن بر بزرگان نمی‌لرزند.¹¹ و حال آنکه فرشتگانی که در قدرت و قوت افضل هستند، پیش خداوند بر ایشان حکم افترا نمی‌زنند.¹² لکن اینها، چون حیوانات غیرناطق، که برای صید و هلاکت طبعاً متولد شده‌اند، ملامت می‌کنند بر آنچه نمی‌دانند و در فساد خود هلاک خواهند شد؛¹³ و مزد ناراستی خود را خواهند یافت، که عیش و عشرت یک روزه را سرور خود می‌دانند. لگنها و عیبه‌ها هستند، که در ضیافت‌های محبتانه خود عیش و عشرت می‌نمایند وقتی که با شما شادی می‌کنند؛¹⁴ چشمهای پر از زنا دارند که از گناه بازداشته نمی‌شود؛ و کسان ناپایدار را به دام می‌کشند؛ ابیای لعنت که قلب خود را برای طمع ریاضت داده‌اند؛¹⁵

دینونة الله على أهل البدع

¹ وَلَكِنْ كَانَ أَيْضًا فِي السَّعْبِ أَنْبِيَاءُ كَذَبَةٌ كَمَا سَيَكُونُ فِيكُمْ أَيْضًا مُعَلِّمُونَ كَذَبَةٌ، الَّذِينَ يَدَّسُونَ يَدَعِ هَلَاكٍ، وَإِذْ هُمْ يُنَكِّرُونَ الرَّبَّ الَّذِي اشْتَرَاهُمْ يَجْلِبُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ هَلَاكًا سَرِيعًا.² وَسَيَبْتَغِي كَثِيرُونَ تَهْلُكَاتِهِمْ، الَّذِينَ يَسْتَبِهِمْ يُجَدِّفُ عَلَى طَرِيقِ الْحَقِّ.³ وَهُمْ فِي الطَّمَعِ يَتَجَرَّوْنَ بِكُمْ بِأَقْوَالٍ مُصَنَّعَةٍ، الَّذِينَ دَبُّوْهُمْ مِنْذُ الْقَدِيمِ لَا تَتَوَاتَى وَهَلَاكُهُمْ لَا يَتَعَيَّنُ.⁴ لِأَنَّهُ إِنْ كَانَ اللَّهُ لَمْ يُسْفِقْ عَلَى مَلَائِكَتِهِ قَدْ أَخْطَأُوا بَلْ فِي سَلَابِلِ الظَّلَامِ طَرَحَهُمْ فِي جَهَنَّمَ وَسَلَّمَهُمْ مَخْرُوسِينَ لِلْقَضَاءِ،⁵ وَلَمْ يُسْفِقْ عَلَى الْعَالَمِ الْقَدِيمِ بَلْ إِنَّمَا حَفِظَ نُوْحًا تَامِنًا كَارِرًا لِلْبَرِّ إِذْ جَلَبَ طُوفَانًا عَلَى عَالَمِ الْفَجَّارِ،⁶ وَإِذْ رَمَدَ مَدِيْنَتِي سَدُومَ وَعَمُورَةَ حَكَمَ عَلَيْهِمَا بِالْإِنْقِلَابِ وَاصْعًا عِبْرَةً لِلْعَتِيدِينَ أَنْ يَفْجَرُوا،⁷ وَأَنْقَذَ لُوطًا الْبَارَّ مَغْلُوبًا مِنْ سَبْرَةِ الْأَرْبَابِ فِي الدَّعَارَةِ،⁸ إِذْ كَانَ الْبَارُّ بِالطَّرِيقِ وَالسَّمْعِ وَهُوَ سَاكِنٌ بَيْنَهُمْ يُعَذِّبُ يَوْمًا قِيَوْمًا نَفْسَهُ الْبَارَّةَ بِالْأَفْعَالِ الْإِيْمَةِ، يَعْلَمُ الرَّبُّ أَنْ يُنْقِذَ الْأَنْبِيَاءَ مِنَ التَّجَرِّبَةِ وَيَحْفَظَ الْأَيْمَةَ إِلَى يَوْمِ الَّذِينَ مُعَاقِبِينَ،¹⁰ وَلَا سَيِّمًا الَّذِينَ يَذْهَبُونَ وَرَاءَ الْجَسَدِ فِي شَهْوَةِ النَّجَاسَةِ وَيَسْتَهْيَبُونَ بِالسِّيَادَةِ. حَسُورُونَ، مُعْجَبُونَ بِأَنْفُسِهِمْ، لَا يَرْتَعِبُونَ أَنْ يَفْتَرُوا عَلَى دَوِي الْأَمْجَادِ،¹¹ حَيْثُ مَلَائِكَتُهُ وَهُمْ أَعْظَمُ قُوَّةً وَقُدْرَةً لَا يُقَدِّمُونَ عَلَيْهِمْ لَدَى الرَّبِّ حُكْمَ اقْتِرَاءِ.¹² أَمَّا هَؤُلَاءِ فَكَحَيَوَاتٍ غَيْرِ تَاطِقَةٍ طَبِيعِيَّةٍ، مَوْلُودَةٍ لِلصِّيدِ وَالْهَلَاكِ، يَفْتَرُونَ عَلَى مَا يَجْهَلُونَ، فَسَيَهْلِكُونَ فِي قَسَائِلِكُمْ فِي قَسَادِهِمْ،¹³ أَخْذِينَ أَجْرَةَ الْإِيْمِ الَّذِينَ يَحْسِبُونَ تَنْعَمَ يَوْمَ لَذَّةٍ، أَذْثَاسٌ وَغُيُوبٌ يَتَنَعَّمُونَ فِي غُرُورِهِمْ صَانِعِينَ وَلَئِيْمَ مَعَكُمْ،¹⁴ لَهُمْ عُيُوبٌ مَمْلُوءَةٌ فِسْقًا لَا تَكْفُ عَنْ الْخَطِيئَةِ خَادِعُونَ النَّفُوسَ غَيْرِ النَّبِيَّةِ، لَهُمْ قَلْبٌ مُتَدَرِّبٌ فِي الطَّمَعِ، أَوْلَادُ اللَّعْنَةِ.¹⁵ قَدْ تَرَكُوا الطَّرِيقَ الْمُسْتَقِيمَ فَصَلُّوا تَابِعِينَ طَرِيقَ بُلْغَامَ بْنِ بَصُورَ، الَّذِي أَحَبَّ أَجْرَةَ الْإِيْمِ، وَلَكِنَّهُ حَصَلَ عَلَى تَوْبِيخٍ تَعْدِيَةٍ، إِذْ مَتَعَ حِمَاقَةَ النَّبِيِّ جَمَارًا أَعْجَمَ تَاطِقًا يَصُوتُ إِنْسَانًا.¹⁷ هَؤُلَاءِ هُمْ آبَاؤُ بِلَا مَاءٍ، عُيُومٌ يَسُوقُهَا النَّوْءُ، الَّذِينَ قَدْ حَفِظَ لَهُمْ قَتَامُ الظَّلَامِ إِلَى الْأَبَدِ.¹⁸ لَأَنَّهُمْ إِذْ يَنْطَفِقُونَ بِعَطَائِمِ الْبُطْلِ يَحْدَعُونَ بِشَهَوَاتِ الْجَسَدِ فِي الدَّعَارَةِ مَنْ هَرَبَ قَلِيلًا مِنَ الَّذِينَ يَسِيرُونَ فِي الضَّلَالِ،¹⁹ وَاعِدِينَ إِبَاهُمْ بِالتَّجَرِّبَةِ، وَهُمْ أَنْفُسُهُمْ عَيْبٌ الْقَسَادِ، لِأَنَّ مَا انْعَلَبَ مِنْهُ أَحَدٌ فَهُوَ لَهُ مُسْتَعْبِدٌ أَيْضًا.²⁰ لِأَنَّهُ إِذَا كَانُوا، بَعْدَمَا هَرَبُوا مِنْ

تَجَاسَّاتِ الْعَالَمِ يَمَعْرِقَةُ الرَّبِّ وَالْمُخَلَّصِ يَسُوعَ الْمَسِيحِ،
يَرْتَبِكُونَ أَيْضاً فِيهَا قَيِّعَلِيُونَ، فَقَدْ صَارَتْ لَهُمْ الْأَوَاحِرُ
أَشَرَّ مِنَ الْأَوَائِلِ.²¹ لِأَنَّهُ كَانَ خَيْراً لَهُمْ لَوْ لَمْ يَعْرِفُوا
طَرِيقَ الْبِرِّ مِنْ أَتَهُمْ، بَعْدَ مَا عَرَفُوا، يَرْتَدُّونَ عَنِ الْوَصِيَّةِ
الْمُقَدَّسَةِ الْمُسَلِّمَةِ لَهُمْ.²² قَدْ أَصَابَهُمْ مَا فِي الْمَثَلِ
الصَّادِقِ: كُلُّبٌ قَدْ عَادَ إِلَى قَيْئِهِ وَخَنَزِيرُهُ مُعْتَسِلُهُ إِلَى
مَرَاعَةِ الْحَمَاءِ.

راه مستقیم را ترک کرده، گمراه شدند، و طریق
بلعام بن بصور را که مزد ناراستی را دوست
می‌داشت، متابعت کردند؛¹⁶ لکن او از تقصیر خود توبیخ
یافت: که حمار گنگ به زبان انسان متنتطق شده،
دیوانگی نبی را توبیخ نمود.¹⁷ اینها چشمه‌های بی‌آب، و
مه‌های رانده‌شده به باد شدید هستند، که برای ایشان
ظلمت تاریکی جاودانی، مقّرر است.¹⁸ زیرا که سخنان
تکبرآمیز و باطل می‌گویند، و آنانی را که از اهل
ضلالت تازه رستگار شده‌اند، در دام شهوات به فجور
جسمی می‌کشند.¹⁹ و ایشان را به آزادی وعده
می‌دهند، و حال آنکه خود غلام فساد هستند: زیرا
هرچیزی که بر کسی غلبه یافته باشد، او نیز غلام آن
است.²⁰ زیرا هرگاه به معرفت خداوند و نجات‌دهنده ما
عیسی مسیح از آلائش دنیوی رستند، و بعد از آن، بار
دیگر گرفتار و مغلوب آن گشتند، اواخر ایشان از اوایل
بدتر می‌شود.²¹ زیرا که برای ایشان بهتر می‌بود که راه
عدالت را ندانسته باشند، از اینکه، بعد از دانستن بار
دیگر از آن حکم مقدّس که بدیشان سپرده شده بود،
برگردند.²² لکن معنی مَثَلِ حقیقی بر ایشان راست آمد
که: سگ به قی خود رجوع کرده است؛ و خنزیر شسته
شده، به غلطیدن در گِل.